

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۱۳ اکتوبر ۲۰۱۲

تروریست های حکومت اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان محکوم شدند!

سال هاست که روابط حکومت اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان متشنج است. هر دو حکومت در راستای رقابت های بورژوائی شان، از جمله در تعیین مرزهای آبی شان در دریای خزر با همدیگر مشکل دارند. در قسمت جنوبی دریای خزر، بین ایران و جمهوری آذربایجان هنوز مرز آبی مشخص نشده است. ایران و جمهوری آذربایجان بیش از ۶۵۰ کیلومتر مرز آبی و زمینی مشترک دارند.

به گزارش خبرگزاری ها در تاریخ ۹ اکتوبر ۲۰۱۲، جمهوری آذربایجان ۲۲ نفر را به اتهام جاسوسی برای ایران محکوم به زندان کرد. به گزارش یک دادگاه باکو، ۲۲ شهروند اسلام گرای آذربایجانی، که در اسفند ماه سال گذشته دستگیر شدند، از سوی مقامات امنیتی آذربایجان متهم هستند که از طریق نگهداری سلاح و فعالیت های تروریستی به کشور خیانت کرده اند. آن ها، متهم اند که به دستور حکومت اسلامی ایران، می خواسته اند علیه سفارت خانه های اسرائیل و امریکا در باکو، عملیات تروریستی انجام دهند. این دادگاه متهمان را به ده تا پانزده سال زندان محکوم کرد.

یک سخن گوی قوه قضائیه جمهوری آذربایجان، به خبرگزاری فرانسه گفته که چند نفر از محکومان از اهالی روستای «ناردران» در حومه باکو بوده اند که یکی از مراکز اسلام گرایان است.

به اساس اطلاعیه «وزارت امنیت ملی» آذربایجان که در ۱۴ مارچ ۲۰۱۲ منتشر شده بود، اتهام بازداشت شدگان اقدام علیه «استقلال و امنیت ملی» کشور بوده است. به گفته «وزارت امنیت ملی» جمهوری آذربایجان، محکومان از سوی «سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران» برای همکاری جلب شده و برای ارگان های امنیتی ایران جاسوسی می کرده اند.

بر اساس اطلاعیه وزارت امنیت ملی آذربایجان، بازداشت شدگان از سال ۱۹۹۹ به خدمت نهادهای امنیتی ایران درآمده و در اردوگاه های نظامی ایران استفاده از سلاح و ابزار جاسوسی، با هدف جمع آوری اطلاعات از سفارت خانه های خارجی، سازمان ها و شرکت های مستقر در باکو، آموزش دیده اند.

وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان، در ادامه یادآور شده که این گروه سازمان یافته، با دریافت دستورهای مستقیم از «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» اقدام به جمع آوری اطلاعات، تهیه سلاح، مهمات و مواد منفجره کرده اند که هدف از این اقدامات، «راه اندازی یک رشته اقدامات تروریستی علیه سفارت خانه های امریکا، اسرائیل و دیگر کشورها در شهر باکو» بوده است.

یاور حسین، وکیل مدافع یکی از متهمان، به بخش آذربایجانی رادیو اروپای آزاد گفته است که موکل وی، از طرف سپاه پاسداران پیشنهاد جاسوسی دریافت کرده بود، اما همکاری با این نهاد نظامی-امنیتی ایران را قبول نکرده بود. به گفته او، تنها اشتباه موکلش این بود که وقتی سپاه پاسداران به وی پیشنهاد جاسوسی داده، به ارگان های امنیتی جمهوری آذربایجان اطلاع نداده است. او، گفته که موکلش به اتهام خیانت به دولت به ۱۰ سال زندان محکوم شده، اما قرار است دادرسی دوباره به پرونده موکلش را به دادگاه بازبینی ارائه دهد.

پس از این اعلام دستگیری ها بود که چند سوء قصد و یا کوشش هائی با هدف سوء قصد در دهلی نو، بانکوک و تفلیس پایتخت گرجستان، در همسایگی آذربایجان، اتفاق افتادند که همگی نمایندگان دیپلماتیک اسرائیلی را مورد هدف قرار داده بودند. در این کشورها نیز تنی چند از تروریست های حکومت اسلامی دستگیر شدند.

حکومت اسلامی ایران، همواره در امور داخلی جمهوری آذربایجان از موضع ارتجاعی و با کمک به گروه های مذهبی دخالت های نهان و آشکار می کند. حتی مدتی پیش با فتوای یکی از آخوندهای مرتجع حکومت اسلامی، یک پزشک و نویسنده جمهوری آذربایجان را ترور کردند. وی، طی انتشار مقاله ای در یکی از روزنامه های آذربایجان، اسلام را نقد کرده بود.

رافق تقی، نویسنده و پزشک آذربایجانی در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۱، ساعت ۱۰ شب هنگامی که راهی منزلش بود، هدف سوء قصد یک شخص ناشناس قرار گرفت و هفت ضربه چاقو به بدن وی وارد شد.

پزشک رافق، روز سه شنبه ۲۲ نوامبر ۲۰۱۱، در گفت و گوی کوتاهی با بخش آذربایجانی رادیو اروپای آزاد - رادیو آزادی، گفته بود که به اعتقاد وی، این سوء قصد یا از طرف دینداران افراطی آذربایجان صورت گرفته، یا این که از طرف عوامل ایران سازماندهی شده است. به گفته وی، انگیزه سوء قصد می تواند نوشته های انتقادی وی درباره اسلام افراطی و خصوصا آخرین مقاله وی که با عنوان «ایران و جهانی سازی» در وب سایت همین رادیو منتشر شد، باشد.

رافق تقی، پزشک بیماری های قلبی که تاکنون چندین اثر ادبی نیز از وی چاپ شده، پنج سال قبل، در پی درج مقاله ای در روزنامه «صنعت» مورد خشم مقامات مذهبی و رسمی ایران قرار گرفت. سفارت حکومت اسلامی ایران در سال ۲۰۰۶، واکنش سختی به انتشار این مقاله نشان داد و آیت الله فاضل لنکرانی نیز طی فتواییه ای خون این نویسنده آذربایجانی را حلال اعلام کرد.

برادر رافق تقی می گوید که به نظر شخص وی، ترور برادرش از ایران «سفارش» شده است.

رافق تقی، رئیس «مجمع نویسندگان آزاد» بود، در سال ۲۰۰۶ به دنبال نوشتن مقاله ای انتقادی درباره اسلام با عنوان «اروپا و ما» مورد اعتراض قرار گرفت و آیت الله فاضل لنکرانی نیز طی فتوایی این نویسنده آذربایجانی را «مهدور الدم» اعلام کرد. آیت الله لنکرانی نوشته بود: «قتل او (رافق تقی) بر هر کسی که دسترسی داشته باشد، لازم است.»

بی بی سی، چهارشنبه ۲۹ نوامبر ۲۰۰۶ برابر با ۸ آذر [قوس] ۱۳۸۵، در گزارشی با عنوان «آیت الله محمد فاضل لنکرانی، یکی از مراجع تقلید شیعه در قم، برای دو روزنامه نگار در جمهوری آذربایجان فتوای قتل صادر کرده

است.» نوشت: آن گونه که دفتر آیت الله فاضل لنکرانی اعلام کرده، جمعی از مقلدان وی در جمهوری آذربایجان نامه ای خطاب به وی نوشته و پرسیده اند که وظیفه مسلمانان در قبال نویسنده ای که به گفته آنان، اروپا را برتر از خاورمیانه دانسته، دین اسلام را در برابر مسیحیت پست و بی ارزش نشان داده، با کلمات «ناپسند و نالایق» به پیامبر اسلام توهین کرده، تمامی مقدسات اسلام را به تمسخر گرفته و در پایان مقاله اش هم اعلام کرده که همه این مطالب را آگاهانه و از روی عمد نوشته است و باز هم خواهد نوشت چیست؟

آیت الله فاضل لنکرانی، در پاسخ نوشته که فردی که چنین مقاله ای نوشته، اگر مسلمان زاده باشد، به دلیل ارتداد (برگشتن از دین اسلام) و اگر کافر باشد به دلیل توهین به پیامبر اسلام باید به قتل برسد و قتل او بر هر کسی که به وی دسترسی داشته باشد، لازم است.

بنابر فتوای این آخوند مرتجع و آدم کش، مسؤول نشریه ای که مقاله چنین نویسنده ای را چاپ کرده نیز همین حکم را دارد. بنابراین، نویسنده ای که آیت الله فاضل لنکرانی خواستار قتل آن ها شده بود، رافق تقی و سمیر صداقت او غلو، سردبیر نشریه صنعت بودند.

علاوه بر این ها، در تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۱، دفتر دادستانی کل و سرویس مطبوعاتی وزارت کشور جمهوری آذربایجان مدیر مسؤول یک نشریه این جمهوری را به «دریافت پول از ایران و جاسوسی برای این کشور» متهم کرده بود.

این دفتر با انتشار بیانیه ای، درباره بازداشت «هلال ممداف»، مدیر مسؤول روزنامه «تولیشی صدو» (صدای تالش) اعلام کرد که بازداشت این شخص مستقیماً با فعالیت های «خطرناک و علیه امنیت ملی» وی ارتباط دارد.

در بیانیه مشترک دادستانی کل و وزارت کشور آذربایجان، آمده بود: «هلال ممداف از سال ۱۹۹۲ به صورت مخفیانه با علی عبداللهی فرزند حمزه علی که مأمور سرویس امنیتی ایران است، همکاری خود را آغاز کرده و علیه امنیت ملی و یک پارچگی ارضی آذربایجان فعالیت کرده و بارها از ایران پول دریافت کرده است.»

نشریه «صدای تالش» که به زبان اقلیت تالشی در مناطق جنوبی جمهوری آذربایجان و هم مرز با ایران منتشر می شود، بنا به گفته هیأت تحریر این نشریه، سعی در حفظ و اشاعه زبان و فرهنگ تالشی داشته است که هم‌پیشه با زبان فارسی است. برخی از مقام های جمهوری آذربایجان، ایران را به «سوء استفاده» از این اقلیت متهم کرده اند.

جنگ لفظی نیز میان مقام های جمهوری آذربایجان و حکومت اسلامی ایران و احضار سفیران دو کشور نیز در یک سال گذشته در جریان بوده است. برای مثال، موضع گیری علی حسن اف، رئیس بخش اجتماعی - سیاسی نهاد ریاست جمهوری آذربایجان علیه حکومت اسلامی، روز پنجشنبه ۱۱ خرداد [جوزا] ۱۳۹۱ - ۳۱ می ۲۰۱۲، در رسانه های آن کشور بازتاب گسترده ای داشت.

ترند نیوز، خبرگزاری جمهوری آذربایجان، به نقل از حسن اف نوشت: «ما به روحانیت ایران می گوئیم خجالت بکش، پیشانی بر مهر می گذاری، هر روز دست دعا به سوی پروردگار دراز می کنی و همین که از در مسجد آمدی بیرون، دروغ می گوئی، هم دینت و هم خودت کاذب هستی. ما چنین روحانیتی را لازم نداریم. مردم آذربایجان تحت هیچ شرایطی نمی توانند با چنین روحانیونی همکاری و مشارکت داشته باشند.»

روز دوشنبه ۸ خرداد [جوزا] - ۲۸ می سال جاری مسؤولان فرودگاه باکو از ورود حجة الاسلام محمدهادی فرید جلوگیری کردند. آنان بدون ذکر دلیل گفته اند که این روحانی در حال حاضر اجازه ورود به جمهوری آذربایجان را ندارد و باید به ایران برگردد.

سفارت ایران در باکو، در بیانیه ای این خبر را تأیید کرد و نوشت: «ما با تأسف اعلام می کنیم که روز دوشنبه از ورود رئیس اداره فرهنگی دفتر رهبر معظم انقلاب به جمهوری آذربایجان ممانعت به عمل آمده است و ایشان از فرودگاه بین المللی باکو به کشور برگردانده شده اند.»

علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران، در واکنش به تنش های موجود میان دو کشور گفت: «اقدام ناپسند در مقابل سفارت ایران در شأن دولت و ملت آذربایجان نیست.»

علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین الملل خامنه ای نیز در گفت و گو با خبرگزاری مهر، اظهار داشت: «پیش بینی ما این است که اقدامات ضداسلامی در آذربایجان قابل دوام نیست.»

مقام های جمهوری آذربایجان از جمله علی حسن اف، رئیس بخش اجتماعی - سیاسی نهاد ریاست جمهوری آذربایجان، نیز در پاسخ به انتقادهای مقامات ایران سکوت نکردند و واکنش تندی نشان دادند.

این مقام جمهوری آذربایجان، پیش از این برای عادی سازی مناسبات کشورش با حکومت اسلامی به ایران سفر کرده بود تا با برخی مقام های عالی رتبه در تهران مذاکره کند. اما به نظر می رسد صحبت وی درباره روحانیت در ایران، نشانگر بی نتیجه بودن مذاکرات دو طرف برای عادی سازی مناسبات شان بوده است.

جمهوری آذربایجان در یک سال گذشته، ۴۰ نفر را به اتهام جاسوسی برای ایران بازداشت کرده است و اخیراً آثار بایراملی، خبرنگار شبکه تلویزیون آذربایجانی زبان «سحر» وابسته به سازمان صدا و سیما ایران به اتهام حمل هروئین به دو سال زندان محکوم شد.

حکومت اسلامی از کوچک ترین و فرعی ترین مسایل نیز علیه جمهوری آذربایجان دست به آشوب و هياهو می زند تا این جمهوری را در مقابل گرایشات خرافات و جنایات مذهبی، وادار به عقب نشینی نماید. و از این طریق طرفداران خود را در پارلمان و دیگر ارگان های این جمهوری سکولار وارد کند و به اهداف ارتجاعی و غیرانسانی خود برسد.

حکومت اسلامی، حتی به بهانه برگزاری مسابقه موزیک و موسیقی «یوروویژن ۲۰۱۲» در باکو، حملات شدیدی را علیه مقامات جمهوری آذربایجان راه انداخت. آخوندهای مرتجع حکومت اسلامی ایران، شرکت کنندگان این مسابقه هنری را «همجنس گراها» نامیدند و گفتند «برگزاری رژه همجنس گرایان» در باکو و ...

به این ترتیب، مرتجعین حکومت اسلامی از گروه های مذهبی هم فکر خود و انصار حزب الله خواستند که تظاهرات هائی را علیه این مسابقه در آذربایجان ایران، به ویژه در مقابل کنسولگری های جمهوری آذربایجان و هم چنین در خیابان های باکو و غیره راه بیندازند.

مسابقه آواز یوروویژن (*Eurovision Song Contest*)، یک مسابقه بین المللی موسیقی است که از سال ۱۹۵۶ به صورت سالیانه برگزار می شود. طبق قوانین مسابقه، کشورهای عضو اتحادیه اروپا امکان شرکت در این مسابقه را دارند.

کشورها، آهنگ هائی را انتخاب می کند که به صورت زنده بر روی تلویزیون اجراء می شود و بعد رأی گیری انجام می شود و بهترین آهنگ مسابقه انتخاب می شود. این مسابقه جزو طولانی ترین مسابقات جهان شناخته شده است و البته یوروویژن پر بیننده ترین مسابقه بعد از مسابقات ورزشی است. از منابع مختلفی نقل قول شده است که در سال های اخیر یوروویژن نزدیک به صد تا پانصد میلیون بیننده در سطح جهان داشته است. یوروویژن در کشورهای خارج اروپا مانند مصر، هند، مکزیک، آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، کره جنوبی، اوروگوئه و... نیز پخش می شود. از سال ۲۰۰۰ تاکنون یوروویژن به صورت زنده در اینترنت نیز پخش می شود.

رسانه های وابسته به حکومت اسلامی نوشتند «یوروویژن، تنها توسط کمپانی ها و اتاق فکر «صهپونیس» مدیریت می شود، برای ثانیه های خود دلیل و هدف «استعماری» خواهد داشت.» برای مثال، مجله هفتگی راز پنجاه و هفت، نوشته است: «نفوذ اسرائیل در چند سال اخیر در کشور آذربایجان و خرید بخشی از خاک این کشور نیز در راستای برنامه ای بلند مدت است که ابزار رسانه به وسیله گمراه کردن اذهان عمومی، به خصوص مردم کشور آذربایجان نقش پیش برنده ای در موفقیت های آنان داشته است. متأسفانه عده ای نفوذ کشور بیگانه را تنها از راه مرز جغرافیائی میسر می دانند و غافل از آن که مقدمات تهاجم نرم دشمن اولین و مهم ترین راه تجاوز به خاک آن کشور می باشد، که همان نفوذ در افکار و تغییر ارزش گذاری های ذهنی مردمان است. لازم به ذکر است که در مراسمی که به میزبانی کشور آذربایجان برگزار خواهد شد، حضور هم جنس گرایان با برنامه ای ویژه همراه خواهد بود. تلاش مردم مسلمان و طلاب و علمای این کشور با برخورد و سرکوب نیروهای امنیتی مواجه شد، که دستگیری برخی از آنان در دستور کار پولیس قرار گرفته است.»

این مجله در ادامه حملات خود به مقامات جمهوری آذربایجان، حتی مدعی می شود که مقامات آذربایجان برای برگزاری این مسابقه، خانه های مردم را ویران کردند: «پنجاه و هفتمین دوره سالانه مسابقه آواز یوروویژن قرار است خرداد امسال در باکو پایتخت جمهوری آذربایجان برگزار شود و طی آن زیباترین موسیقی کشورهای فعال عضو اتحادیه پخش اروپا، برگزیده شود. برگزاری این مسابقات در حالی است که دولت آذربایجان برای ساخت مکان برگزاری این مسابقه بسیاری از مردم باکو را به زور از خانه و کاشانه شان بیرون رانده و خانه های آنان را ویران کرده تا در ویرانه این خانه ها سالن برگزاری مسابقه موسیقی اروپائی را بنا کند. براساس این گزارش، دولت باکو در تاریخ ۲۶ اردیبهشت [ثور] اعلام کرد که استادیوم جدیدی در کنار میدان پرچم ملی با ظرفیت ۲۲۰۰۰ خواهد ساخت، اما در ۲۹ اردیبهشت پیشنهاد برگزاری مسابقه در استادیوم توفیق بهرمو یا مجموعه ورزشی و هنری حیدر علیو ارائه شد. اما چند ماه بعد در ۱۳ مرداد دولت این کشور از ساخت استادیوم جدیدی به نام Baku Concert Arena در کنار میدان پرچم در ساحل باکو خبر داد که ظرفیت آن ۵۰ هزار نفر است. با این حال مسئولین آذربایجانی در تلاشند که این مسابقه که مخصوص گروه های میتدل و مستهجن است را در باکو ساماندهی کند. و این در حالی است که اکثریت مطلق مردم این کشور را مسلمانان و شیعیانی تشکیل می دهند که به دستور حکومت، اجازه عزاداری و بزرگداشت شعائر اسلامی را ندارند. دولت آذربایجان سال هاست قصد دارد به هر طریق ممکن جوانان آذربایجانی را از دین جدا و مانند جوانان اروپائی به هرزگی و عیاشی مشغول سازد و از این طریق بساط دین را از جامعه بزداید. بر همین اساس قرار است در کنار مسابقه یوروویژن، همجنس بازان نیز رژه ای را در خیابان های باکو داشته باشند...» «... طی روزهای ۲۲ الی ۲۶ ماه می آینده در آستانه برگزاری مسابقه موسیقی یوروویژن ۲۰۱۲ در باکو، رژه سنتی همجنس بازان در باکو تدارک دیده شده است. به همین جهت نیز دو هزار همجنس باز از مناطق مختلف دنیا به باکو سفر خواهند کرد. براساس این گزارش مجلس ملی جمهوری آذربایجان قبل از پذیرش عضویت در شورای اروپا در سال ۲۰۰۰ در اجرای یکی از پیش شرط های عضویت در این شورا، تغییراتی را در قانون جزای این کشور تصویب کرد که به موجب آن، جرم تلقی شدن همجنس بازی از قانون جزای جمهوری آذربایجان حذف شد و این عمل در این جمهوری قانونی اعلام گردید.

از آن جا که که بیداری فرزندان میهن اسلامی نقطه امید اسلام گرایان آذربایجان می باشد، حجة الاسلام روح الله بجانی از منتقدین دولت آذربایجان طی نامه ای بسیار کوتاه الهام علی اف را تهدید و مورد نهدی از منکر قرار داد. (الهام علی اف، رئیس جمهوری فعلی آذربایجان است)

هم چنین حجة الاسلام بجانی مسؤول انصار حزب الله تبریز با صدور نامه ای ضمن انتقاد از بی توجهی دولت به فتنه گری و فتنه انگیزی جمهوری آذربایجان خواستار رسیدگی به جریان آذربایجان و قفقاز شد.

برپائی چنین مراسمی و نزدیکی آن به خاک کشورمان می طلبد که نسبت به آن بی اعتنا نباشیم. لذا باید اصحاب رسانه و فعالان سیاسی و فرهنگی در جهت روشنگری و نمایاندن اهداف شوم اسرائیل تلاش لازم و وافی را انجام دهند. و قبل از آن که موج خبری و اطلاع رسانی دعوت به این مراسمات در کشورمان آغاز شود، روشنگری حقایق پیدا و پنهان چنین برنامه های به اصطلاح سرگرم کننده در فضای جامعه منتشر گردد. این در حالی است که ایجاد وبلاگ هائی در داخل کشورمان برای پاسخ به سوالات علاقه مندان ایرانی جهت حضور و یا تماشای برنامه یوروویژن در حال گسترش است و مسؤولان مربوط هنوز برخوردی با آن صورت نداده اند...»

دیگر روزنامه های حکومت اسلامی نیز در ادامه کمپین خود علیه جمهوری آذربایجان به بهانه این مسابقه هنری، از جمله «اسلام تایمز»، نوشت: «یورو ویژن یکی از راهکارهای صهیونیست در جهت به چالش کشاندن بافت فرهنگی اسلامی جمهوری آذربایجان و منطقه قفقاز و خارج کردن جمهوری آذربایجان از حوزه فرهنگی جهان اسلام.»

سایت خبری تحلیلی بولتن نیز نوشت: «اعتراض گسترده به رژه همجنس بازان در آذربایجان، سه شنبه ۱۹ اردیبهشت [ثور] مردم تبریز در محکومیت حرکات ضداسلامی دولت باکو مقابل کنسولگری جمهوری آذربایجان در این شهر تجمع اعتراض آمیز برگزار می کنند.»

می بینیم که سران و مقامات حکومت اسلامی و رسانه هایشان هم چون سران و مقامات حکومت هیتلری، علاوه بر سیاست های غیرانسانی و حشیانه، کمونیست کشی و آزادی ستیزی، خواهان سرکوب و کشتار همجنس گرایان نیز هستند.

البته دعوی اصلی حکومت اسلامی ایران با حکومت جمهوری آذربایجان، عمیق تر از این نوع کشمکش هاست. اساساً حکومت اسلامی، علاوه بر اختلافات مرزی و رقابت های اقتصادی بورژوائی اش با این جمهوری، همواره با راه انداختن کمپین های مختلف علیه جمهوری آذربایجان، بر این تصور باطل است که جلو نفوذ سکولاریسم مردم جمهوری آذربایجان را بر مردم استان های آذربایجان غربی و شرقی ایران سد کند. در حالی که افکار سکولار، آزادی خواهی، عدالت طلبی و سوسیالیستی در این استان های کشور، آن چنان ریشه های عمیق تر تاریخی دارد که نیازی چندانی به تأثیر گرفتن از آن سوی مرزها را ندارند. در عین حال، جوامع بشری، از تجارت مبارزاتی همدیگر تأثیر می پذیرند و تأثیر می گذارند، خیلی هم مثبت و طبیعی است.

بخش دیگر خشم حکومت اسلامی ایران از حکومت آذربایجان، شکست ها و ناکامی هایش در تقسیم منابع زیر آب های دریای خزر، مسایل مرزی و پروژه هائی است که می توانست با شراکت دو کشور، مؤثرتر و ستراتژیک تر پیش بروند.

حکومت اسلامی ایران تا سال ۱۹۹۵ در کنسرسیوم نفت مشارکت داشت. اما در این سال، ایران از این کنسرسیوم کنار گذاشته شد، روابط دو کشور دوباره رو به تیرگی گرائید.

ساخت خط لوله انتقال نفت و گاز به سوی غرب، آذربایجان را بیشتر به غرب نزدیک کرد و به انزوای حکومت اسلامی ایران و تا حدودی روسیه نیز انجامید. به این ترتیب، خروج آذربایجان از مدار روابط نزدیک با روسیه و ایران و پیوستن به ساختارهای غربی و همکاری نزدیک با غرب و شرکت کردن در طرح ها و دیگر ساختارهای غربی، عوامل دیگر ناخشنودی سران حکومت اسلامی از سران حکومت آذربایجان است.

حکومت اسلامی ایران، علاوه بر آموزش و تسلیح دایمی گروه های مذهبی جمهوری آذربایجان با هدف براندازی حکومت سکولار و غیرمذهبی این کشور، حتی هزینه های مالی برگزاری مراسم روزهای مذهبی چون عاشورا و غیره را نیز تأمین می کند.

در جمهوری آذربایجان، حجاب در مدارس و دانشگاه ها و ادارات دولتی ممنوع است. عکس بانوان محجبه برای صدور گذرنامه و کارت شناسائی پذیرفته نمی شود. پخش اذان از مساجد مجاز نیست. دولت باکو، طلابی را که در ایران مشغول تحصیلات مذهبی اند و یا در ایران تحصیل کرده اند و یا کسانی که تحصیلات دینی دارند به هیچ گونه در مشاغل و مناصب دولتی نمی پذیرد. فعالیت مدارس دینی و اسلامی در جمهوری آذربایجان مجاز نیست. دولت آذربایجان مجاز نیست به اماکن اسلامی و فعالین آن ها کمک کند. هم چنین برگزاری مراسم مذهبی در انظار عمومی آزاد نیست و آن ها می توانند در اماکن مذهبی مراسم های خود را برگزار کنند. قوانینی که طبیعتاً هر حکومت سکولار و غیرمذهبی به نوعی باید آن ها را در قوانین خود وضع کند.

سران و مقامات حکومت اسلامی به ویژه آخوندهای مرتجع، به این سیاست های سکولار جمهوری آذربایجان با چشم دشمن نگاه می کنند و همواره حکومت جمهوری آذربایجان را تهدید و تکفیر می کنند و برای نابودی آن می کوشند.

حکومت اسلامی ایران، هم چنین به همکاری های اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی- امنیتی آذربایجان با امریکا و اسرائیل و غیره نیز خشمگین است. بنابراین، این اختلافات و هم چنین اختلافات دیگر، بین دو کشور، نه تنها تاکنون حل نشده باقی مانده اند، بلکه با گذشت زمان به گسترده شدن دامنه تنش ها افزوده می شود.

در طی بیش از دو دهه گذشته، یعنی از دورانی که آذربایجان از شوروی سابق جدا شد نگاه حکومت اسلامی به این کشور همانند نگاهش به استان های آذربایجان غربی و شرقی ایران است. سران حکومت اسلامی، به این کشور هم از جنبه تاریخی می نگرند که دورانی جزو سرزمین های امپراتوری ایران بود و هم تلاش می کنند در این کشور نیز گرایشات مذهبی دست بالا را بگیرند و گرایشات سکولار و چپ را منزوی کنند. از این رو، در این مدت روابط دو کشور ایران و آذربایجان افت و خیزهای زیادی را پشت سر گذاشته و اغلب دلیل تیرگی روابط دو کشور، دخالت حکومت اسلامی ایران از موضع ارتجاع مذهبی، سرکوبگرانه و تروریستی در امور داخلی آذربایجان بوده است که در بالا به گوشه هائی از آن ها اشاره کردیم.

طبیعی است که حکومت هر کشوری، بنا به منافع و خواسته های مردم خود در صحنه سیاسی منطقه و جهان ظاهر می شود. مسلماً، روابط دوستانه و مستقل کشورها با همدیگر، بخش خدشه ناپذیر حقوق بین الملل در تنظیم روابط دولت هاست. در غیر این صورت جوامع بشری هر روز باید شاهد اشغال کشورهای کوچک توسط کشورهای بزرگ و قدرت مند می شد. تنها از طریق برقراری روابط دوستانه و مسالمت آمیز بین حکومت ها می شود طرح ها و پروژه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و ستراتیژی منطقه ئی و جهانی را پیش برد نه با تهدید و زور و قلدری. در واقع حکومت اسلامی ایران، با زور و قلدری و از موضع ارتجاع مذهبی و سیاست های تروریستی اش سعی می کند گروه های تروریستی در جمهوری آذربایجان را بر سر کار بیاورد تا خیالش از این همسایه سکولار و غیرمذهبی راحت باشد و موضع منطقه ئی اش قوی تر گردد؛ همگی اعمالی وحشیانه است. هیچ کشوری حق ندارد به زور و تهدید و ترور، اهداف و سیاست های خودش را به مردم کشور دیگری تحمیل کند. این حق مسلم و طبیعی و غیرقابل جدل مردم هر کشوری است که ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورش را تغییر دهند و درباره آن ها مستقیماً و بدون دخالت خارجی تصمیم گیری و انتخاب کنند.

به این ترتیب، تمام شواهد نشان می دهند که سران و ارگان های سرکوب حکومت اسلامی، به ویژه سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی مخوف آن، همواره در تلاشند گروه های مذهبی جمهوری آذربایجان را آموزش های ایدئولوژیکی و نظامی و تروریستی دهند؛ سازمان دهی کنند؛ مسلح کنند و به جان و زندگی مردم جمهوری آذربایجان بیندازند و نهایتاً حکومت سکولار آذربایجان را سرنگون کنند و یک حکومت اسلامی تروریستی و آدم کش شبیه خود را در این کشور به قدرت برسانند. اما همه این تلاش های وحشیانه حکومت اسلامی و طرح ها و سناریوهای سیاهش درباره آذربایجان، تاکنون یکی پس از دیگری شکست خورده است، ناشی از آگاهی و اتحاد مردم این کشور است. قطعاً بعد از این نیز جز رسوائی ها و شکست های بیشتر و دندان شکن تر چیز دیگر نصیب سران و مقامات حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی نخواهد شد. چون که تاریخ مصرف عمر نکبت بار خود حکومت اسلامی، به دوره پایانی خود نزدیک شده است. و شکی نیست که این دوره را اکثریت مردم آزاده ایران با عزم و اراده محکم مبارزه جوئی و انقلابی شان، بسیار کوتاه تر و کارسازتر خواهند کرد.

جمعه بیست و یکم مهر [میزان] ۱۳۹۱ - دوازدهم اکتوبر ۲۰۱۲

یادداشت:

نفرت به حق ما از رژیم "ولایت فقیه"، نباید مانع از آن گردد که دولت دست نشانده امپریالیزم و صهیونیزم را در آذربایجان مردمی دانسته، جنایات و استبداد آن رژیم را در حق اقلیتهای ملی غیر آذری و مسلمانان نا دیده بینگاریم.

اداره پورتال AA-AA